

تکریم علمای دین

در مکتب تابناک اسلام علما و دانشمندان از مقامی بس عظیم برخوردار و با اوصافی متعالی ستوده شده‌اند که بعد از پیامبران و امامان (ع) کسی را یاری برابری در شأن و مرتبه با آنان نیست، که البته مراد دانشمندانی هستند که وجودشان سرشار از عشق به پروردگار، خدمت به بشریت و هدایت مردم است و عمل به علم را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند.

آیات نورانی قرآن و روایات معصومین گویای صادق بر این مدعاست. خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» [1] «خداوند کسانی از شما را که ایمان آورده اند و دانشمندان رادرجاتی برتری دهد.» «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» [2] «آیا صاحبان علم و دانش با آنان که نمی‌دانند یکسان هستند» «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» [3] «از بندگان خدا تنها علماء هستند که از خدا می‌ترسند.» و امام صادق(ع) در مورد مقام عالمان دین فرمودند: «ملائکه بالهای خود را برای طالب علم می‌گسترانند و موجودات زمین و آسمان، حتی ماهیان دریا برای او استغفار می‌کنند، فضیلت عالم بر عابد همانند ماه شب چهارده بر بقیه ستارگان است و «إِنَّمَا الْعُلَمَاءُ وَرثة الانبياء» و به تحقیق دانشمندان وارثان انبیاء الهی هستند.» [4]

حال با توجه به عظمت مقام عالمان ربّانی، لزوم تکریم ایشان امری بدیهی و اجتناب ناپذیر است و تکریم ایشان تکریم حضرت حق(جل و علی)، انبیاء الهی و ائمه است، لذا امیرمومنان(ع) فرمودند: «مَنْ وَقَرَ عَالِمًا وَقَرَ رَبَّهُ» [5] «کسی که عالمی را گرامی بدارد و تعظیم نماید، پروردگارش را گرامی و بزرگ داشته است. از همین رو در روایات اهل بیت(ع) بر احترام بر عالمان دین و احتراز از تحقیر و توهین به ایشان تأکید فراوان شده است. «تَوَاضَعُوا لِمَنْ طَلَبْتُمْ مِنْهُ الْعِلْمَ» [6] «نسبت به کسی که از او علم می‌آموزید فروتن باشید.» (امام صادق(ع)) «إِذَا رَأَيْتَ عَالِمًا فَكُنْ لَهُ خَادِمًا» [7] «زمانی که به عالمی برخوردی خدمتگذار او باش» و در بیان دیگری امیرمؤمنان(ع) فرمودند: «از تحقیر و کوچک کردن علماء بهره‌زید که این عمل موجب خوار شدن انسان و کوچک شدن در چشم دیگران و گمان بد بردن نسبت به شخص خواهد شد.» [8] سیره عملی بزرگان نیز بر احترام و تکریم علماء و دانشمندان بوده که برآن اصرار فراوان داشته و پیوسته به طلب آن نیز سفارش می‌نمودند چرا که از اسباب مهم توفیق، تکریم بزرگان و به خصوص اساتید است.

تکریم علمای دین در کلام بزرگان :

آیه الله شیخ محمد بهاری همدانی(ره): «از برای طالب علم شروط لابدی من مراعاتها... وأن يكونَ معظماً للعلم والعلماء (یکی از آن شروط اینکه؛ دانش و دانشمندان را بزرگ بدارد) خدا را حقیر نشمارد، اول عیبی که سالک پیدا کند، آن است که علماء ظاهر پیش او حقیر و کوچک گردند.» [9] علامه میرزا ابوالحسن شعرانی(ره): ایشان در شرح کتاب تبصرة المتعلمین می‌نویسد: «... و آخرین نصیحت آن که علم بی تقوی و ورع را به چیزی نشمرند و سخن علمای دین را پست نگیرند و تعظیم آنان را چه مرده و چه زنده موجب مزید توفیق دانند.» [10]

آیه الله شهید دستغیب(ره): ایشان در کتاب گناهان کبیره اینگونه آورده است: «برای کفران نعمت وجود علماء عقوبتهای شدیدی وعده داده شده است، از آن جمله پیغمبر اکرم (ص) می‌فرماید: زمانی بیاید که مردم از علماء فرار می‌کنند مانند فرار کردن گوسفندان از گرگ، در نتیجه خداوند آنها را به سه بلا مبتلا می‌فرماید؛ برکت را از دارائیشان بر می‌دارد، سلطان ظالمی را برای آنها مسلط می‌فرماید و بی ایمان از دنیا می‌رود. نا گفته نماند که طلاب علوم دینی چون در طریق رسیدن به مقام شامخ نیابند، وجودشان نیز نعمت و گرامی داشتشان بر همه لازم و کفران وجود ایشان به هتک و بی احترامی حرام می‌باشد.» [11]

شهید ثانی(ره): ایشان در بحث آداب تعلیم و تعلم و لزوم تکریم استاد اینگونه می‌نویسد: «شاگرد و دانشجو باید با دیده تکریم و احترام به استاد خویش بنگرد و از عیوب او چشم پوشی کند ... او باید فروتنتر از آنچه که مأمور به تواضع و فروتنی نسبت به علما و دانشمندان و دیگر اصناف مردم است، در برابر استاد خود، متواضع و فروتن باشد. او باید در برابر مقام علم و دانش نیز اظهار خاکساری کند تا در سایه این فروتنی که خود نوعی عزت و سرافرازی است، به علم و معرفت دست یابد...» [12].

سیره عملی بزرگان در تکریم علمای دین :

حضرت امام خمینی(ره): آیه الله مظاهری در مورد این خصلت امام می فرمایند: «خصلت احترام به علمای اسلام همیشه در امام جلوه‌ای خاص داشت، نه فقط به مثل شیخ طوسیها، صاحب جواهرها، شیخ انصاریها... احترام خاص می نهادند و با تجلیل از آنان یاد می کردند بلکه درباره مثل مؤسس حوزه علمیه قم شیخنا العلام و درباره مثل آیه العظمی بروجردی بارها می فرمودند: «در سر حد کرامت است یک پیرمرد به این خوبی حوزه علمیه را بلکه عالم تشیع را اداره می کند.»[13]

حضرت امام (ره) نسبت به اهانت به علماء و غیبت بزرگان معاصرین خودشان شدیداً موضع می‌گرفتند: به طوری که حرام کرده بودند کسی در بیت ایشان بیاید و پشت سر علماء چیزی بگوید. و وقتی شنیده بودند برخی حرف ملا صدرا را نفهمیده به ایشان جسارت کرده اند، شدیداً در سر درس موضع گرفته می فرمایند: «و ما ادراك ما ملا صدرا؟ مسائلي كه بوعلي از حل آنها عاجز مانده، ملاصدرا حل کرده، چرا ما مواظب زبانمان نیستیم؟!»[14]

آیه الله وحید بهبهانی (ره) احیاگر علم اصول: از ایشان پرسیدند چگونه به این مقام علمی و عزت و شرف و مقبولیت رسیده‌ای؟ در جواب نوشتند: من ابداً خود را چیزی نمی دانم و در ردیف علمای موجود به شمار نمی آورم و آنچه ممکن است مرا به این مقام رسانده باشد این است که هیچ گاه از تعظیم و بزرگداشت علماء و نام آنان را به نیکی بردن خودداری ننمودم و هیچ وقت اشتغال به تحصیل را تا آنجا که مقذورم بود ترک نکرده، آن را بر تمام کارها مقدم داشتم.»[15]

خواجه نصیرالدین طوسی (ره) و صلوات فرستادن به روح سید مرتضی (ره): هر گاه در مجلس درس ایشان نامی از مرحوم سید مرتضی (ره) به میان می آمد، خواجه می گفت « صلوات الله علیه » و رو به مدرسین و قضاتی که در درسش حاضر بودند، می فرمود: «كيف لا يَصَلِّي علي المرتضی؟» چگونه بر سید مرتضی با آن مقام بلند علمی و تقوایی درود فرستاده نشود؟[16]

مرحوم حاجی کلباسی (ره) از علماء بزرگ اصفهان: آورده اند که ایشان وقتی به قم آمد و به مزار آن شهر رفت، پا برهنه راه را می پیمود و می فرمود: این مزار پر است از علماء و راویان احادیث؛ از این رو برای ادب نمی خواهم با کفش روی قبورشان بروم . «وقتی حاکم اصفهان به ایشان جسارت و بی احترامی کرد، مرحوم کلباسی(ره) او را نفرین کرد. چیزی نگذشت که آن حاکم برکنار و بدیخت و بیچاره شد. شیخ کلباسی نامه‌ای به حاکم بیچاره و مغرول نوشت و در آن نامه این بیت را آورد:

دیدي که خون ناحق پروانه شمع را چندان امان نداد که شب را سحر کند[17]

شیخ اعظم، شیخ مرتضی انصاری (ره): در کتاب لمعات درباره ایشان آمده است: «ایشان نسبت به علماء بسیار تعظیم و توقیر می نمود و بعد از ذکر اسامی آنها از آنها تجلیل می کرد. وقتی صاحب جواهر (ره) از دنیا رفت و پسرش شیخ عبدالحسین جواهری در درس شیخ انصاری حاضر می شد، ایشان به خاطر بزرگداشت صاحب جواهر به وی احترام می گذاشت و حتی اگر در بین درس می آمد، از بالای منبر از وی تجلیل نموده و بلند می شد.»[18]

آیه الله العظمی حائری یزدی(ره): فرزند ایشان، از پدرش نقل کرده که فرمود: «توفیقاتی که در زندگی نصیب من شد و در پرتو آنها توانستم حوزه را تشکیل بدهم، همه مرهون خدماتی است که به استادم، مرحوم سید محمد فشارکی(ره) کرده‌ام. زمانی ایشان به شدت بیمار شدند و کار بدان جا کشید که من مدت شش ماه، برای قضای حاجت ایشان ، طشت مهیا و بدین عمل افتخار می کردم.»[19]

آیه الله العظمی بهاء الدینی(ره): روش و منش ایشان احترام به علماء و تعظیم بزرگان و به خصوص اساتیدشان بود. این فقیه فرزانه با وجود اینکه خودشان از لحاظ فقاقت در سطح بالائی بودند به طوری که در سن 25 سالگی اجازه اجتهاد گرفتند و از ابتدای طلبگی همدرس و هم حجره امام خمینی(ره) بودند، ولی همیشه از ایشان با احترام و عظمت نام می بردند و دیگران را در امر تقلید به ایشان ارجاع می دادند از جمله اینکه در مورد ایشان می فرمود: «اعتقاد ما این است که مثل امام خمینی در زمان فعلی نداریم. وی فهم معصوم را پیدا کرده، درک او فوق درکها و شجاعت او فوق شجاعتهاست. پای خود را جای پای معصوم گذارده است ... مثل ایشان در تاریخ شیعه در حد نایاب است.»[20]

آیه الله العظمی گلپایگانی(ره): ایشان به علماء بزرگ احترام خاصی می نهادند، مقید بودند که همیشه قبل از درس به روح استادشان آیه الله العظمی حائری یزدی (ره) فاتحه بفرستد و اگر در ابتدا فراموش می کردند، در وسط درس فاتحه می خواندند. و بعد از زیارت حضرت معصومه (س) همیشه بر سر قبر ایشان حاضر می شدند و تجلیل می کردند.

این عالم ربانی در زمان حضرت امام (ره) با اینکه خود از مراجع بودند و مقلدین بسیاری داشتند، دائماً به مردم، مسئولین و اطرافیان خود سفارش حضرت امام(ره) را می کردند و می فرمودند: ایشان را تقویت کنید. و وقتی حضرت امام(ره) از دنیا رفتند، پیام عجیبی در تجلیل از ایشان صادر کردند: «شخصیتی دعوت حق را لبیک گفت که با مجاهدت بزرگ و فداکاریها و رهبریهای قاطع و محکم خود اسلام را در عالم معاصر زنده کرد... فقیهی بزرگ و مرجعی مسلم به جهان باقی شتافت که در زهد و عبادت و شب زنده داری و خوف از خدا و حق گوئی و حقیقت طلبی و صفات ممتازة دیگر از آیات الهی بود».[21]

نهایت احترام به بزرگان و اساتید :

حضرت امام خمینی(ره) وقتی در آثارشان نامی از استاد خود مرحوم آیه الله شاه آبادی می آورد، می نویسد:

شیخ عارف کامل «روحی فداه». و شهید مطهری (ره) نیز وقتی از علامه طباطبائی(ره) نام می برد اینگونه می نگارد: «حضرت استاد علامه طباطبائی روحی فداه» و برخی از بزرگان دیگر نیز با عباراتی مشابه از مقام اساتید و بزرگان خویش تجلیل می نمودند.[22] حال، وقتی استوانه های علم و معرفت و تقوی، اینگونه نسبت به عالمان دین و اساتید خویش اظهار کوچکی نموده و از آنها با احترام یاد می کنند و تمام پیشرفت خود را مدیون آنها می دانند، تکلیف طالبان معرفت و پویندگان راه کمال واضح و روشن خواهد بود.

پی نوشت:

[1] . مجادله /11.

[2] . زمر/ 9.

[3] . فاطر /25.

[4] . الاصول من الکافی - ج1- ص36 (دو جلدی) حدیث 1 باب ثواب العالم . از کتاب فضل العلم - مرحوم کلینی ، باتصحیح و تعلیق علی اکبرغفاری - ناشر مکتبه الصدوق /تهران / چاپ دوم/ 1381 هـ ق.

[5] . تصنیف غررال حکم و دررال کلم - ص47 ج218 - عبدالواحد آمدی - دفتر تبلیغات اسلامي چاپ اول - (بی تا).

[6] . اصول کافی - همان باب صفة العلماء ، ج1، ص36.

[7] . غررال حکم (همان) - ص47 ، حدیث 217.

[8] . غررال حکم (همان) 1 ص47 ج 216.

[9] . تذکرة المتقین، ص127 ، شیخ محمد بهاری همدانی (ره) ، انتشارات نهانندی - 1376 / چاپ دوم.

[10] . سیمای فرزنانگان - ص263 ، رضا مختاری ، دفتر تبلیغات اسلامي حوزه قم -1374، چاپ هشتم.

[11] . گناهان کبیره، ج2، ص335 و 336 ، عبدالحسین دستغیب ، 2جلد، تهران ، کانون ابلاغ اندیشه های اسلامي ، 1361 هـ . ق.

[12] . آداب تعلیم و تعلم در اسلام (ترجمه کتاب منیة المرید شهید ثانی) - ص323 - 324 - سید محمد باقر حجتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامي،

خرداد 1359

[13] . سرگذشتهای ویژه از زندگی امام خمینی (ره) - ج5 ، ص165 ، گرد آوری: رضا شعراف ، انتشارات پیام آزادی ، هشتم / 1374.

[14] . سیمای فرزنانگان / ص252.

[15] . همان / 253.

[16] . همان / 257.

[17] . سیمای فرزندگان - ص 260.

[18] . همان ص 261.

[19] . همان ص 269 و.

[20] . حاج آقا رضا بهاء‌الدینی، آیت بصیرت - ص 140.

[21] . کتاب: آیه الله گلپایگانی ، فروغ فقاہت - صفحات ، 57 و 88 - 94 - ناصر الدین انصاری قمی - سازمان تبلیغات اسلامی - بهار 373 / چاپ اول.

[22] . سیمای فرزندگان / ص 268.

منبع : پایگاه راسخون